



گفتگو با بیژن نامدار زنگنه

بنزین، واقع‌گرایی دولت و مجلس را ارتقا می‌دهد

علی خردپیر

خبرنگار

زنگنه وزیری نامدار بود. صنعت نفت در زمانش تحولات بسیار دید. امروز او اما طبق وعده پیشین به دانشگاه برگشته و بیشتر دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی خود را دنبال می‌کند. هر از چند گاهی نیز برای دفاع از عملکرد خود و تيمش باز پذیرای خبرنگاران می‌شود.

نفت و مدیرانش در فضای انتخابات آماج بیشترین تهمت‌ها بودند، تا آن که عالیترین مقام قضایی کشور اعلام کرد اموال شخصی و خانواده درجه یک وی بر خلاف مقررات افزایش نیافته است. از آن پس نوع انتقادات تغییر کرد و حالا عدم توجه به ساخت پالایشگاه مطرح شده است. موضوع بنزین در کشور چنان حاد شده که حالا همه دنبال مقصری می‌گردند تا همه چیز را بر سر او خراب کنند. زنگنه اما هنوز هم از تصمیماتش دفاع می‌کند چندی پیش بر این موضوع تاکید کرد که ما از پس مجتمع‌های عظیم پتروشیمی بر آمديم و پرايمان کاری نداشتیم که پالایشگاه هم بسازیم اما آن را اقتصادی ندانستیم. حالا صریح‌تر از قبل دیدگاهش را بیان کرده است.

آقای زنگنه همیشه عنوان کرده‌اید که اعتقادی به بی‌نیاز شدن از واردات بنزین ندارید. در سال‌های وزارت نفت هم ساخت پالایشگاه را دارای توجیه اقتصادی نمی‌دانستید؟
بله از نظر من اقتصادی نبود.

پس چرا اکنون ساخت پالایشگاه جدید را دارای توجیه اقتصادی عنوان می‌کنند؟

آن زمان مجلس برای ما می‌نوشت که در صورت اقتصادی بودن و به تشخیص و مسوولیت وزیر ذی‌ربط و تصویب شورای اقتصاد پالایشگاه ساخته شود.

من نمی‌توانستم چنین مسوولیتی را بپذیرم. نمی‌توانستم برای شورای اقتصاد بنویسم که این طرح را با این که اقتصادی نیست تصویب کنید. یک مورد را برخی اشتباه می‌کنند و ایراد می‌گیرند آن‌ها مثل این که فرض می‌کنند خوراک پالایشگاه آب است

و ارزشی ندارد و از آن طرف بنزین تولید می‌شود. در صورتی که در پالایشگاه، نفت خام بشکه‌ای ۶۰ دلاری باید مصرف کند. برای یک پالایشگاه با ظرفیت پالایش ۳۰۰ هزار بشکه نفت که حداکثر روزانه می‌تواند ۵۰ هزار بشکه بنزین تولید کند باید روزی ۱۸ میلیون دلار نفت خام صرف شود یعنی سالانه شش میلیارد دلار که جز بنزین و گازوئیل مابقی فرآورده‌ها زیر قیمت نفت فروخته می‌شود. حالا ببینیم نتیجه چه خواهد شد؟ توجه کنید که این مبلغ حدود ۶ میلیارد دلار ارزش خوراک این پالایشگاه باعث کاهش ۶ میلیارد دلار از درآمد صادراتی نفت خام کشور می‌شود.

پالایش میعانات گازی و نفت خام بسیار سنگین با API حدود ۲۰ در شرایطی می‌تواند اقتصادی باشد. ما میعانات گازی داریم که عمدتاً در حال حاضر به عنوان خوراک پتروشیمی مصرف می‌شود ولی بخش عمده نفت بسیار سنگین ما در میدان آزادگان است که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است.

در نفت خام عادی اما توجیه اقتصادی احداث پالایشگاه هنوز هم قوی نیست. این که گفته می‌شود چرا در دیگر نقاط دنیا پالایشگاه ساخته می‌شود باید در نظر داشت که شرکت‌هایی هستند که کل زنجیره تولید نفت، پالایش و توزیع را با قیمت مناسب در اختیار دارند. اما در ایران این سیکل معیوب است و بخش توزیع کاملاً زیانده هست. باید توجه شود که در سال‌هایی که ما به دلیل توجیه پایین اقتصاد پالایش مبادرت به احداث پالایشگاه نکردیم، در کشورهای دیگر هم نیز کم و بیش همین روند جریان داشت. و لذا در حدود ۴-۵ سال پیش کل دنیا با کمبود ظرفیت پالایشی مواجه شد.

ضمناً این نکته را نیز باید بگویم که من ترجیح می‌دادم یک میلیارد دلار پول را به جای این که صرف احداث پالایشگاه جدید نفت بکنم صرف توسعه میدان گازی پارس جنوبی، توسعه بازیافت نفت یا صرف توسعه شبکه گازرسانی کنم. ما یک خدمت به کشور کردیم آن هم این بود که مسئولان را متوجه کردیم که در خصوص بنزین مشکل داریم و اگر این اتفاق نمی‌افتاد هیچ وقت در این باره

تصمیم‌گیری نمی‌شد.

ولی چه تصمیمی گرفته شده است؟

هر تصمیمی بگیرند خوب است.

امروز تصمیم گرفته‌اند که بنزین را با افزایش ۲۰۰ ریال به ازای هر لیتر بنزین به صورت جیره‌بندی عرضه کنند

کار خوبی است

اما آیا این واقعا راه حل است؟

در راستای راه حل است.

چرا؟ توجیه شما چیست؟

چون این روش نمی‌تواند پایدار بماند.

پس به شکست منجر می‌شود؟

نه به موفقیت منجر می‌شود. دولت و مجلس به یک واقعیت رسیده‌اند. آن هم این است که عرضه بنزین با چنین بارانه‌هایی، غیرممکن است. خود این مساله یک موفقیت بزرگ است. پس تصمیم می‌گیرند که سهمیه‌بندی کنند بعد از شش ماه مردم ناراضی خواهند بود. دوباره می‌گویند که مقداری واردات داشته باشیم اما با نرخ گرانتر عرضه کنیم. پس از مدتی نتیجه می‌گیرند که این کار عامل فساد است و در نهایت قیمت اول را کنار می‌گذارند و قیمت آزاد را اعمال می‌کنند. دو سال یا کمی بیشتر طول می‌کشد و می‌رسیم به قیمت بالاتر. این خوب است و موفق شده‌ایم.

آیا واردات بنزین پاشنه آشیل ایران نیست؟

نه چه پاشنه آشیلی است. بنزین مصرف کدام صنعت و تولید می‌شود که در وارد نشدن آن کشور به هم ریزد. اتفاقی نمی‌افتد. کدام تولید در کشور بر سر شاخ بنزین می‌چرخد؟

ولی بنزین و نرخ آن بیش از هر چیز آثار

روانی در اقتصاد جامعه ما دارد؟

شما ۸ میلیارد دلار به باد دهید برای چه؟ مردم با کوبین هم می‌توانند زندگی کنند و اتفاق خاصی نمی‌افتد. اگر می‌خواهند با قیمت بالاتر به فروش می‌رسند خیلی‌ها راضی خواهند بود حالا اگر دولت مصلحت نمی‌داند احتمالاً در آینده به این نتیجه خواهد رسید. به نظرم بنزین اولین گام در پذیرش واقعیت‌هاست. باید منتظر مابقی واقع‌گرایی‌هایی که دولت و مجلس به آن خواهند رسید، باشیم. ❖